

## بررسی پی‌بست در کردی کلهری

سمیرا احمدی ورمزانی<sup>۱</sup>، خسرو غلامعلی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد زبانشناسی، دانشگاه رازی، گروه زبان، کرمانشاه، ایران

<sup>۲</sup> استادیار زبانشناسی، دانشگاه رازی، گروه زبان، کرمانشاه، ایران

### چکیده

پژوهش پیش‌رو با هدف توصیف و بررسی یک نوع از تکواژهای وابسته دستوری بنام واژه‌بست در گویش کردی کلهری صورت گرفته است. با بررسی‌های ترتیب واژه‌بست‌های گویش مذکور، مشخص گردید که تمامی واژه‌بست‌های این گویش از نوع پی‌بست می‌باشند؛ لذا، در این پژوهش به جای اصطلاح کلی واژه‌بست از پی‌بست استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر، در این گویش پیش‌بست وجود ندارد. در این پژوهش سعی شده است تمامی پی‌بست‌های گویش کلهری استخراج شود، انواع پی‌بست‌ها معرفی شود، میزبان پی‌بست‌ها بیان گردد و اینکه به چه مقوله دستوری تعلق دارند. نقش‌های دستوری‌ای مشخص شوند که پی‌بست‌ها در جمله ایفا می‌کنند، و نهایتاً با مقایسه ویژگی‌های وندها، به خصوص وندهای تصریفی، و پی‌بست‌ها تفاوت‌های مکانی و رفتاری این تکواژها معرفی گردد. ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی و معنایی پی‌بست‌ها نیز بیان شده است. جایگاه پی‌بست در نمودار درختی و همچنین چگونگی فرافکنی پی‌بست در ساخت سلسله مراتب جمله هم مد نظر قرار گرفته است. پدیده خوشه پی‌بستی به عنوان پدیده‌ای که در این گویش استفاده می‌شود، بیان شده است. در خوشه پی‌بستی یک پی‌بست فاعلی و یک پی‌بست غیرفاعلی، مانند پی‌بست مفعولی، مفعولی غیرصریح، متممی و اضافی مورد مطالعه قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** پی‌بست، پی‌بست ضمیری، کردی کلهری، خوشه پی‌بستی، فعل پی‌بستی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- مقدمه:

در این پژوهش سعی بر آن است تمامی پی‌بست‌های گویش کردی کلهری استخراج و ویژگی‌های ساخت‌واژی و دستوری و آوایی آنها مورد توصیف و بررسی قرارگیرد. همچنین مشخص‌گردد میزبان این پی‌بست‌ها به کدامین عناصر زبانی تعلق دارند و بیان‌گردد پی‌بست‌ها چه نقش‌های دستوری می‌توانند در جمله ایفاکنند، همچنین به نحوه فرافکنی پی‌بست‌ها در ساخت سلسله‌مراتبی جمله توجه شده است. لذا، در ابتدا به تعاریفی دقیق از واژه‌بست می‌پردازیم. شقاقی (۱۳۷۶) واژه‌بست، پی‌بست، یا چسبانه را تکواژی می‌داند که از نظر دستوری آزاد و مستقل، اما از لحاظ آوایی و نوایی وابسته به میزبان<sup>۱</sup> خود است. واژه‌بست یکی از انواع کلمه به شمار می‌رود که کاربرد مستقل ندارد؛ مانند وند به واژه قبل یا بعد از خود می‌چسبد، ولی جزء ساخت واژه حساب نمی‌شود. اینگونه تکواژها تکیه نمی‌گیرند، بلکه با همخوان پایانی واژه قبل تلفظ می‌شوند. واژه‌بست‌ها همواره به یک میزبان واجی<sup>۲</sup> متصل می‌گردند.

شقاقی (۱۳۸۹) واژه‌بست‌ها را با توجه به ترتیب اتصال به میزبان‌شان به دو دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- پی‌بست<sup>۳</sup>: واژه‌بستی است که به پایان واژه اضافه می‌شود؛ مانند ت /æt- / در کتابت، م /æm- / در خواندم.
- ۲- پیش‌بست<sup>۴</sup>: واژه‌بستی است که به قبل واژه اضافه می‌شود. کردی کلهری این نوع واژه‌بست را ندارد، اما در زبان فرانسوی پیش‌بست وجود دارد.

در واقع، واژه‌بست یک اصطلاح پوششی است که عمدتاً به پیش‌بست یا پی‌بست تقسیم می‌گردد. از آنجا که کردی کلهری فاقد پیش‌بست می‌باشد، به جای اصطلاح کلی واژه‌بست از این پس از پی‌بست استفاده می‌کنیم. در این پژوهش، تلاش بر آن است که به توصیف انواع پی‌بست در گویش کردی کلهری پرداخته‌شود، توزیع و نقش‌های مختلف دستوری پی‌بست‌ها در کردی کلهری و جایگاه ظهور این عناصر در جمله مورد بررسی قرارگیرد، به محدودیت پی‌بست‌های گویش کلهری اشاره شود و مشخص‌گردد میزبان‌های پی‌بست‌های کردی کلهری چه نوع عناصر زبانی هستند، و در نهایت جایگاه آن‌ها در سلسله‌مراتب جمله نشان داده‌شود. در بخش حاضر به مهمترین تحقیقاتی که صورت گرفته‌است، می‌پردازیم.

هدف راسخ مهند (۱۳۸۶) در مقاله‌اش بررسی دوباره افعال مرکب پی‌بستی است. حضور همیشگی ضمیر متصل و عدم مطابقت ظاهری فاعل و فعل را از جمله ویژگی‌های این عناصر می‌داند و در واقع پژوهش وی پاسخ به نقدی است که این گونه ضمیر پی‌بستی را نشانه مطابقت نمی‌دانند. او با ارائه چندین استدلال و همچنین ایراد و اشکال گرفتن به نقد مذکور نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های ضمیری در افعال مرکب پی‌بستی نقش مطابقت فاعلی دارند.

راسخ مهند (۱۳۸۸) این تقسیم بندی را که پی‌بست‌های ضمیری زبان‌های دنیا یا در جایگاه واکرناگل ۵ یعنی پس از اولین واژه، سازه یا واژه واجی (مانند فارسی میانه) یا در کنار فعل یعنی به سمت سازه قبل از فعل یا خود فعل (مانند فارسی نو) قرار

<sup>۱</sup>anchor

<sup>۲</sup>phonological host

<sup>۳</sup>enclitic

<sup>۴</sup>proclitic

<sup>۵</sup>Wackernagel position

دارند را ساده‌انگارانه می‌پندارد. او با استفاده از داده‌های تاتی جنوبی نشان می‌دهد که این پی‌بست‌ها وضعیتی بینابین دارند. به عبارت دیگر در تاتی جنوبی پی‌بست‌ها در نقش نشانه فاعل در زمان گذشته در جایگاه واکرناگل قرار دارند، اما در نقش‌های دیگر از این جایگاه حرکت کرده و به سمت فعل رفته‌اند.

راسخ مهند (۱۳۸۹) به بررسی نقش واژه‌بست‌های ضمیری در کنار فعل پرداخته و معتقد است واژه‌بست‌های ضمیری در فارسی در دو جایگاه غیرفعلی و فعلی می‌آیند. جایگاه‌های غیرفعلی بعد از اسم، حرف اضافه، و در بند موصولی به عنوان ضمیر تکراری می‌آیند. واژه‌بست‌ها در جایگاه فعلی بر دو بخش اند: اول، در ساخت‌هایی مانند «لجم گرفت» که به افعال مرکب پی‌بستی معروفند و واژه‌بست‌ها حضوری اجباری دارند، به نشانه مطابقه تبدیل شده‌اند و با اصل مانع‌سازی تبیین می‌شوند. (فوس، ۲۰۰۵: ۲۳۳) اصل مانع‌سازی را اینگونه تعریف می‌کند. اگر در زبانی تعداد گوناگونی از یک تکواژ وجود داشته‌باشد آن صورتی که تطابق بیشتری با ویژگی‌های صرفی\_ نحوی داشته باشد، انتخاب می‌شود. در مثال ذکر شده تکواژ صفر با پی‌بست با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و در نهایت، پی‌بست به دلیل خاص بودن و داشتن توانایی ممیزی به عنوان نشانه مطابقه انتخاب می‌گردد. دوم، در جملاتی مانند «می‌زمنت» واژه‌بست زمانی حضور دارد که گروه اسمی هم مرجع با آن نقش مبتدا دارد.

محمودی (۱۳۹۲) در این مقاله به بررسی نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در بندهای موصولی می‌پردازد. او اعتقاد دارد چون ساخت موصولی می‌تواند به ابتدای جمله برود شاهد دو نوع واژه‌بست مشتق در پایه (در ساخت فک اضافه) و واژه‌بست حرکت داده شده (در ساخت مبتدا سازی شده) در این نوع ساخت‌ها هستیم. جایگاه این واژه‌بست‌ها در مشخص‌گر گروه حرف تعریف است و از هسته حرف تعریف حالت اضافی را می‌گیرد. مشخصه‌های (Φ) هسته حرف تعریف روی واژه‌بست تراوش می‌شود. او واژه‌بست در بند موصولی را ضمیر ابقایی می‌داند که با خلاء یا ضمیر مستقل جایگزین می‌گردد. و با توجه به اینکه بند موصولی فارسی هسته برون‌ی است. زبان فارسی از یک متمم نمای «که» به عنوان آغازگر بند پیرو استفاده می‌کند. ضمیر مستقل، واژه‌بست و یا خلاء در جایگاه درونه‌گیری شده استفاده می‌شود.

## ۲- اهداف

در این پژوهش سعی بر آن است تمامی پی‌بست‌های گویش کردی کلهری استخراج و ویژگی‌های ساخت‌واژی و دستوری و آوایی آنها مورد توصیف و بررسی قرارگیرد. همچنین مشخص‌گردد میزبان این پی‌بست‌ها به کدامین عناصر زبانی تعلق دارند و بیان‌گردد پی‌بست‌ها چه نقش‌های دستوری می‌توانند در جمله ایفاکنند، همچنین به نحوه فرافکنی پی‌بست‌ها در ساخت سلسله مراتبی جمله توجه شده است

## ۳- ابزار و روش

روش انجام شده در پژوهش پیش رو توصیفی تحلیلی می‌باشد. برای انجام این پژوهش، مطالعات و بررسی‌های انجام شده مربوط به واژه‌بست که در قالب کتاب‌ها و مقالات در حوزه دستور و ساخت‌واژه نگاشته شده است، مطالعه شده‌اند. نگارندگان پس از مطالعه دقیق منابع موجود و پیشینه مرتبط با موضوع مورد تحقیق، سعی در ارائه توصیف پی‌بست از لحاظ انواع پی‌بست، میزبان‌های آن، نقش‌های دستوری پی‌بست و در نهایت جایگاه آن در سلسله مراتب جمله در گویش کردی کلهری داشته‌است. اطلاعات و شم‌زبانی یکی از نگارندگان به عنوان گویشوران کردی کلهری، منبع داده‌های این پژوهش به شمار می‌آید.

## ۴- انواع پی‌بست‌های کردی کلهری

## ۴-۱ فعل پی‌بستی

صورت‌های فعل ربطی بودن که بیشتر با نام افعال پی‌بستی معروف است، از نظر شمار به دو صورت مفرد و جمع و از نظر شخص به سه صورت اول، دوم و سوم شخص صرف می‌شوند. این افعال پی‌بستی در جمله همان نقش و جایگاه فعل را ایفا می‌کنند، و به این دلیل که با صورت کامل خود منطبق نیستند جزء پی‌بست‌های ویژه به شمار می‌روند. اکنون به این موضوع می‌پردازیم که چه ویژگی‌هایی صورت‌های کوتاه شده فعل ربطی را پی‌بست می‌کند. شاید بارزترین ویژگی فعل پی‌بستی این باشد که با میزبان خود تشکیل یک واحد واجی را می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، فعل ربطی بودن فاقد تکیه است، و با افزودن فعل پی‌بستی به پایه تغییری در جایگاه تکیه در کلمه ایجاد نمی‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

۱) xub'

xub' = em

ف.پ = صفت

م = خوب

«خوبم.»

خصوصیت دیگر این است که پی‌بست‌ها علاوه بر فعل به صفت نیز متصل می‌شوند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۲) tji=m

م و ت = فعل

م = رفت

«رفتم.»

۳) xub = em

م ف.پ = صفت

م = خوب

«خوبم.»

فعل پی‌بستی در مثال (۳)، علیرغم وابسته بودن به میزبان، دارای نقش دستوری فعل می‌باشد. که این خود یکی از برجسته‌ترین خصیصه‌های واژه‌بست‌ها محسوب می‌شود، زیرا دارای نقش دستوری مستقل می‌باشد. با اتصال پی‌بست فعلی به میزبان، نمی‌توان هیچ‌چیز وند دیگری به پی‌بست فعلی اضافه کرد. در مثال زیر دقت کنید که چگونه پی‌بست فعلی مانع از وندافزایی گشته‌است.

۴) \*kelas = em = æj

و ت ۲ = م ۱ = ف.پ = اسم

ش = م = کلاس

«کلاسمش»

همانطور که می‌بینید، با افزوده شدن پی‌بست فعلی /em- / به اسم کلاس از پیوستن وند تصریفی /æj- / ممانعت به عمل آمده‌است. به طور کلی‌تر، می‌توان اذعان کرد پی‌بست، آخرین تکواژ وابسته‌ای است که به پایه اضافه می‌گردد، و با افزودن پی‌بست نمی‌توان هیچ‌چیز وند و تکواژ وابسته دیگری، اعم از وندهای تصریفی، اشتقاقی، تکواژ صفر و پی‌بست دیگر، داشته باشیم.

پی‌بست فعلی می‌تواند به مقولات مختلف دستوری بچسبند، و از این حیث برای انتخاب میزبان خود از آزادی عمل برخوردار است. به نمونه‌های زیر دقت فرمایید:

۵) tæmiz = æ

م ۳ = ف.پ = صفت

تمیز = ه

«تمیزه.»

۶) kɛlas = æ

۳م ف.پ = اسم

ه = کلاس

«کلاسه.»

۷) ɛmfɔw = æ

۳م ف.پ = قید

ه = امشب

«امشبه.»

همان گونه که ملاحظه می‌کنید پی‌بست فعلی /-æ/ به ترتیب پس از صفت، اسم و قید ظاهر شده‌است، که این خود نشانگر آزادی واژه‌بست برای تعلق به میزبان‌های مختلف دستوری است.

در مثال (۹) پی‌بست فعلی /-ɛm/ می‌تواند حذف شود، بدون اینکه به ساخت دستوری جمله صدمه‌ای بزند. در حقیقت، پی‌بست مانند واژه عمل می‌کند، و توانایی حذف شدن دارد. مثال زیر را ملاحظه فرمایید:

۸) xub= ɛm o xowfal=ɛm

۱م ف.پ = صفت ح.ر ۱م ف.پ = صفت

م = خوشحال م = خوب

«خوبم و خوشحالم.»

۹) xub o xowfal=ɛm

صفت ح.ر ۱م ف.پ = صفت

خوب م = خوشحال

«خوبم و خوشحالم.»

همانطور که در مثال (۱۱) می‌بینید، واژه‌بست از برخی جهات شبیه وند می‌باشد. یکی از ویژگی‌هایی که واژه‌بست را شبیه وند می‌کند، این است که به علت وابسته بودن به میزبان /kɛlas æwæl/ نمی‌توان آن را به تنهایی حرکت داد. در حقیقت، واژه‌بست با میزبان تشکیل یک سازه را می‌دهند؛ و اگر قرار باشد حرکتی در جمله صورت پذیرد، کل سازه حرکت می‌کند. به عنوان مثال:

۱۰) æwæl = kɛlas æwæl = æ

۳م ف.پ = اسم ۳م ض.ف

ه = اول کلاس

«او کلاس اوله.»

۱۱) \* æwæl kɛlas = æ

اسم ۳م ف.پ = اسم

اول ه = کلاس

«او کلاسه اول»

همانطور که در مثال زیر ملاحظه می‌کنید، دو واژه‌بست را نمی‌توان با یکدیگر همپایه قرار داد، این خود بازمی‌تاباند که واژه‌بست‌ها عناصری وابسته‌اند. برای همپایه شدن نیاز است پی‌بست با میزبان‌ش یک جا در رابطه همپایگی قرار گیرند، خود پی‌بست از استقلال برخوردار نیست. به مثال زیر توجه کنید:

۱۲) \*xub = εm                      o = æ

صفت = م.ف.پ                      ع.ح.ع = م.ف.پ

خوب = م                      ه = ع

«خوبم»

از ویژگی‌هایی که در بالا ذکر شد، نسبت دادن پی‌بست به تکواژ وابسته‌ی دستوری صورت مخفف افعال ربطی بودن جایز و الزامی است.

#### ۴-۲ ضمائر پی‌بستی<sup>۶</sup>

پی‌بست‌های ضمیری تقریباً همان نقش‌های گروه اسمی را ایفا کنند. به طور مثال، می‌توانند به عنوان مفعول به عنصر فعلی بچسبند و یا به حرف اضافه افزوده شوند، یا وقتی که اسم به جایگاه مبتدا حرکت داده می‌شود به جای آن اسم، یک ضمیر هم‌مرجع با آن در جای اسم قرار گیرند. پس، اگر ضمائر به صورت پیوستی و الحاقی به کار روند، ضمائر پی‌بستی خوانده می‌شوند. بنابراین، نقشی که این ضمائر در جمله دارند به انواعی تقسیم می‌شوند، که عبارت انداز: (الف) پی‌بست متممی (ب) پی‌بست فاعلی (پ) پی‌بست مفعولی. هر واژه‌بستی که با صورت کامل خود همخوانی نداشته باشد، واژه‌بست ویژه است. در نهایت، ضمائر پی‌بستی را چون توزیع برابر با صورت کامل خود ندارند، می‌توان یکی از واژه‌بست‌های ویژه پنداشت.

#### ۴-۲-۱ پی‌بست متممی

حرف اضافه همیشه به یک متمم نیاز دارد تا با هم تشکیل یک سازه واحد دهند. به سخن دیگر، حضور پی‌بست ضمیری در جایگاه متمم حرف اضافه اجباری است و حذف آن باعث بدساختی جمله می‌گردد. به جملات زیر نگاه کنید:

۱۳) wot = εm                      æra = d

م.پ.مت = ح.اض                      م.پ.فا = فعل

ت = برا                      م = گفت

«برات گفتم.»

<sup>۶</sup>enclitics pronoun

۱۴) \*wot =            εm            æra

= فعل                    ۱. م. پ. فا            ح. اض

گفت                    م                    برا

«برا گفتم»

همانطور که ملاحظه می‌کنید، جمله (۱۳) قابل قبول است، چون حرف اضافه /æra/ دارای یک پی‌بست متممی /-d/ است، اما دلیل بد ساخت بودن جمله (۱۴) نبود متمم حرف اضافه می‌باشد.

#### ۴-۲-۲ پی‌بست فاعلی

به دلیل ضمیرانداز بودن کردی کلهری، می‌توان گفت که پی‌بست فاعلی در جمله حضوری اجباری دارد و نبودش باعث غیردستوری شدن جمله می‌گردد. البته، در گویش کلهری هنگامی که بخواهیم روی فاعل منطقی جمله تأکید کنیم، حضورش بلامانع است.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱۵) hat = εm

۱. م. پ. فا = فعل

م آمد

«آمدم.»

۱۶) mε            hat = εm

۱. م. پ. فا = فعل            ض. ف

م آمد                    من

«من آمدم.»

اما، فاعل، چه به صورت جدا و چه به صورت پی‌بستی، در جمله ظاهر گردد، همیشه وجود پی‌بست فاعلی برای آن الزامی است و عدم حضورش جمله را بد ساخت می‌کند. مانند مثال زیر:

۱۷) \*hat

فعل

«آمد»

ذکر این نکته الزامی است که نباید صورت بالا را با صورت سوم شخص مفرد، که با تکواژ صفر همراه است، اشتباه گرفت. در سوم شخص مفرد، ما یک تکواژ صفر داریم که به ضمیر سوم شخص مفرد فاعلی برمی‌گردد. در آن جا ما با یک جمله روبرو هستیم که فاعل و فعل دارد، اما در واقع صورت بالا همان بن فعل است که به یک پی‌بست فاعلی نیاز دارد تا دستوری شود.

#### ۴-۲-۳ پی‌بست مفعولی

این ضمیر پی‌بستی به فعل می‌پیوندد؛ و اگر در جمله همزمان پی‌بست فاعلی حضور داشته باشد، پی‌بست مفعولی پس از پی‌بست فاعلی می‌آید. به عبارتی، پی‌بست مفعولی را می‌توان به عنوان پایانی‌ترین عنصری که به فعل می‌چسبید، در نظر گرفت.

۸۸) koft                    = εm                    = æz

فعل                    پ. فا. ۱. م                    پ. م. ۳. م

ش م زدن

«زدمش.»

## ۴-۶ پی بست ویژه /-j/ / نکره

در کلهری، برای نامعین و نامشخص کردن پی بست /-j/ به گروه اسمی اضافه می‌شود. چون این واژه بست صورت کاملی ندارد، آن را پی بست ویژه می‌نامیم. مثل:

۱۹) pija = j hat

فعل پ. نک اسم

آمد ی مرد

«مردی آمد.»

به مثالی که در بالا زده شد، توجه کنید. پی بست نکره /-j/ پس از اسم / pija / آمده، و نکره شده‌است.

## ۴-۷ پی بست ویژه /-j/ / تخصیص نکره

هنگامی که بعد از اسمی یک جمله واره موصولی بیاید و آن جمله‌واره اسم را توصیف کند، پس از آن اسم /-j/ تخصیص نکره می‌آید. /-j/ نکره تفاوتی با /-j/ تخصیص نکره دارد، و آن این است که /-j/ تخصیص نکره، برخلاف /-j/ نکره، که تنها برای اسمی نکره به کار می‌رود، توانایی اتصال به اسمی معرفه را هم دارد. این پی بست فقط به اسم یا گروه اسمی متصل می‌شود، به طور مثال:

۰۰) pija = j ke düwækæ di d bawge men = æ

۳.م.ف.پ = ض.ف.اسم ۲.م.پ.فا.فعل قید ح.ر.پ.نک = اسم

ه من پدر ی دید دیروز که ی مرد

«مردی که دیروز دیدی پدر منه.»

حضور پی بست تخصیص نکره در چنین ساخت‌هایی الزامی است، و نبود پی بست تخصیص نکره ساخت را غیردستوری می‌کند. به جمله زیر توجه کنید:

۲۱) \*pija ke düwækæ di = d bawge men = æ

۳.م.ف.پ = ض.ف.اسم ۲.م.پ.فا = فعل قید ح.ر.اسم

ه من پدر ی دید دیروز که مرد

«مرد که دیروز دیدی پدر منه»

## ۴-۸ پی بست کسره

پی بست کسره همان کسره اضافه‌ای است که بین صفت و موصوف و دو اسم دیده می‌شود. در رابطه اضافی، کسره اضافه به صورت پی بست به مضاف می‌چسبد و با آن یک واحد آوایی می‌سازد. به عنوان نمونه:

۲۲) ketaw ε sara



اسم پ. ک اسم

سارا - کتاب

«کتاب سارا»

gæwra ε kelas (۲۳)

صفت پ. نک اسم

بزرگ - کلاس

«کلاس بزرگ»

در دو مثال بالا، پی بست کسره /-ε/ به ترتیب به اسم‌های /kɛtaw/ و /kelas/ اضافه شده‌است.

#### ۴-۹ پی بست معرفه

هرگاه بخواهیم در کله‌ری اسم را معرفه کنیم، یکی از دو پی بست /-æ/ و /-gæ/ را استفاده می‌کنیم. پی بست معرفه ساز /-gæ/ پس از اسم مختوم به واکه مانند /pija/ و /-æ/ بعد از اسامی مختوم به همخوان مانند /sif/ می‌آید.

sif = æ (۲۴)

پ. مع اسم

سیب -

«سیب خوردم.»

xward = em

م. پ. فا فعل

م خورد

pija gæ (۲۵)

پ. مع اسم

مرد -

«مرد رفت.»

tʃi = ø

م. پ. فا فعل

رفت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

#### ۴-۱۰ پی بست عطف و ربط /-o/

در گفتار رسمی، حرف عطف به صورت /wæ/ به کار می‌رود. در محاوره، اگر حرف عطف بعد از واکه بیاید، به صورت /wæ/ و اگر بعد از یک همخوان بیاید به صورت /o/ تلفظ می‌گردد، چون التقای مصوت‌ها در کردی کله‌ری امکان پذیر نیست. پی بست /-o/ می‌تواند مقوله‌های دستوری مختلف و گوناگونی مثل گروه اسمی، گروه صفتی، گروه فعلی و یا جمله را به هم بچسباند. اگر /-o/ دو کلمه را با هم همپایه سازد، حرف عطف نامیده می‌شود؛ اما، اگر دو جمله را با هم همپایه سازد، حرف ربط است. که در هر دو صورت، اگر به صورت مختصر و کوتاه به کار روند، پی بست محسوب می‌شوند.

kɛtaw o qælæm (۲۶)

اسم پ. ع اسم

کتاب - قلم

«کتاب قلم»

۲۷) xward = εm o xaft = εm

فعل پ.فا فعل پ.فا

خورد م خوابید م

«خوردمو خوابیدم.»

مسئله‌ای که در اینجا ذکر آن خالی از لطف نیست، پرداختن به این موضوع است که با افزودن پی‌بست عطف به واژه، هجای پایانی واژه دچار تغییراتی می‌شود. از همان مثال‌های قبلی برای توضیح این موضوع استفاده می‌کنیم:

۲۸) ketaw o qælæm

ساختمان هجای واژه / qælæm / به صورت (CV,CVC) است، که با اضافه کردن پی‌بست عطف به این واژه، از دو هجا به سه هجا تغییر می‌کند: / qælæmo / (CV,CV,CV). با بررسی‌های بسیار بر روی این مثال‌ها، به طور کلی، می‌توان اظهار داشت که با افزودن پی‌بست عطف، یک واکه به هجای آخر اضافه می‌شود.

#### ۴-۱۱ پی‌بست ربط / -o /

در کلهری، می‌توان دو جمله را بوسیله پی‌بست / -o / با هم همپایه ساخت. البته، همانطور که پیش‌تر گفتیم، بهتر است از عنوان پی‌بست ربط استفاده کنیم، چراکه دو سازه نحوی بزرگتر از گروه با هم همپایه می‌گردند.

۲۹) mε qæza xward = εm o dærsan nūsa = m

۱. م پ.فا = فعل اسم پ.ر ۱. م پ.فا = فعل اسم ض.ف

من غذا خورد م نوشت درس م خواورد غذا نوشتم

«من غذا خوردمو درس نوشتم.»

#### ۴-۱۲ پی‌بست تأکیدی /-i:/

این پی‌بست بیشتر برای بیان تأکید به کار می‌رود؛ و به گروه اسمی، گروه فعلی و ضمیر متصل می‌شود. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

۳۰) mεn = i:/ hat = εm.

۱. م پ.فا = فعل پ.ق = ض.ف

من آمد م منم آمدم

«منم آمدم.»

در این نمونه، پی‌بست قیدی /-i:/ / به ضمیر / mεn / چسبیده و آن را مورد تأکید قرار داده‌است. در مثال (۳۱) این پی‌بست قیدی به اسم افزوده شده و روی اسم تأکید می‌نهد.

۳۱) kif = εm = i:/ bar

اسم فعل پ.ق

کیف م م بیار

«کیفم بیار.»

۳۲) æwæ di= mæ ju bɜrd = æm = iʃæ maɪ

اسم پ.ق ۱.م.پ.م = فعل پ.ر ۱.م.پ.فا فعل ۳.م.ض.ف  
خونه م م برد م دید م او  
«او را دیدمو بردمم خونه.»

در نمونه (۳۲) می بینیم که پی بست قیدی /iʃ- / گروه فعلی / bɜrd=ɛm / را مورد تأکید قرار داده است.

#### ۴-۱۳ پی بست انعکاسی

پی بستنی که به ضمائر انعکاسی اضافه می شود و برای بیان تأکید به کار می رود. این پی بستها در شش صیغه صرف می گردند. از نظر شخص به اول، دوم، سوم و از نظر شمار مفرد و جمع هستند.

جدول (۱) پی بستها و ضمائر انعکاسی کردی کلهری

شمار شخص	مفرد	جمع
۱	xw=æm	xw=man
۲	xw=æd	xw=dan
۳	xw=æj	xw=jan

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می کنید. پی بستهای انعکاسی / æm, -æd, -æj, -man, -dan, jan / پس از ضمیر / xwæd / آمده اند. این پی بستها همان پی بستهای مفعولی یا اضافی هستند. نقشی که این پی بستها با ضمائر انعکاسی ایفا می کنند، تأکیدی است که روی ضمیر می گذارند.  
برای مثال:

۳۳) xw =æm hat =ɛm  
۱.م.پ.فا ۱.م.پ.ان فعل ۱.م.پ.ان  
م آمد م خود  
«خودم آمدم.»

در نمونه (۳۳)، پی بست انعکاسی روی فاعل جمله، که اول شخص مفرد است، تأکید می گذارد.

## ۴-۱۴ پی بست تأکید / -a /

این پی بست فقط برای تأکید به کار می‌رود، و چون صورت کامل ندارد. به آن پی بست ویژه می‌گوییم. معمولاً این پی بست پس از گروه فعلی و برای تأکید به فعل اضافه می‌شود. به مثال زیر دقت کنید:

۳۴) næ xwa id a !

پ. ن      فعل      م. پ. فا      ت. پ.

ن      خور      ی      آ

«نخوری‌ها!»

## ۵- نقش پی بست‌های کردی کلهری

الف. یکی از نقش‌هایی که پی بست‌ها در جمله ایفا می‌کنند، نقش فاعل منطقی جمله است. که هم به همراه فعل ساده و هم به همراه فعل مرکب به کار می‌روند. البته، با هم تفاوت‌هایی دارند، که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. به همراه فعل ساده، حضور فاعل جمله به صورت اختیاری است، و به همان ویژگی ضمیرانداز بودن کلهری اشاره دارد.

پی بست‌های فاعلی در ابتدای جمله نمی‌توانند حضور داشته باشند، چون وابسته‌اند و به تنهایی نمی‌توانند بیایند و باید به عنصر فعلی بچسبند. بنابراین، با نهاد جدا در توزیع تکمیلی‌اند، مگر اینکه بخواهیم در جمله روی نهاد تأکید کنیم. مانند:

۳۵) wɛt =ɛm

فعل = م. پ. فا

گفت م

«گفتم.»

همانطور که در نمونه (۳۵) ملاحظه می‌فرمایید، به دلیل ماهیت وابسته بودن، پی بست همواره برای حضورش در جمله به یک پایه نیاز دارد، در اینجا مثال (۴۱)، این پایه یک فعل می‌باشد.

\*۳۶) ɛm wɛt

م. پ. فا      فعل

م      گفت

«م گفت»

در جمله (۳۶)، به این دلیل که پی بست در ابتدای جمله ظاهر شده و در واقع به جای نهاد جدا در جمله قرار گرفته‌است، جمله بد ساخت و غیر دستوری شده‌است که این خود حاکی از آن است که هیچ گاه نمی‌توان پی بست را به تنهایی به کار برد.

۳۷) mɛ wɛt =ɛm

م. ۱. م      پ. فا      =      فعل      ض. ف

من      گفت      م

«من گفتم.»

در جمله (۳۷)، همزمان فاعل جدا و پی بست نشانگر تأکید بر روی فاعل جدای جمله می‌باشد؛ در غیر این صورت، نیازی به حضور فاعل جدا نیست و کاملاً حضورش اختیاری است.

راسخ مهند (۱۳۸۹) به نوعی خاصی از افعال، افعال مرکب پی‌بستی می‌گوید. این افعال، افعال مرکبی هستند که حضور پی‌بست در آن‌ها الزامی است. این پی‌بست‌ها (پی‌بست‌های فاعلی) با فاعل جمله، که معمولاً محذوف می‌باشد، از نظر شخص (اول، دوم، سوم) و شمار (مفرد و جمع) مطابقت می‌کنند. به جای پی‌بست‌های ضمیری به کار رفته با این افعال، صورت کامل پی‌بست را نمی‌توان به کار برد، چون باعث بدساختی جمله می‌گردد. یکی از ویژگی‌های این افعال این است که همواره به شکل سوم شخص مفرد به کار می‌روند.

مثال:

۳۸) xæw          em          hat

۳. م فعل          پ. فا ۱ م          اسم

آمد          م          خواب

«خوابم آمد.»

\* ۳۹) xæw          hat

۳. م فعل          اسم

آمد          خواب

«خواب آمد.»

۴۰) mən          xæw          = em          hat

۳. م فعل          پ. فا ۱ م          اسم          ض. ف

آمد          م          خواب          من

«من خوابم آمد.»

\* ۴۱) xæw          mən          hat

۳. م فعل          ض          اسم

آمد          من          خواب

«خواب من آمد.»

در مثال (۳۹) حذف پی‌بست فاعلی در افعال مرکب پی‌بستی سبب غیردستوری گشتن جمله شده است زیرا این پی‌بست‌ها حضوری اجباری دارند و برای خوش ساخت بودن جمله حضورشان الزامی است و حتماً باید به شکل پی‌بستی به عنصر غیرفعلی فعل مرکب متصل شود، نه به صورت ضمیر مستقل.

ب. نقش دیگری که پی‌بست‌ها بر عهده دارند این است که ایفاکننده نقش مفعولی جمله هستند، یعنی هم نقش مفعول صریح (پذیرا) و هم نقش مفعول غیرصریح (هدف یا بهره‌ور) را به عهده دارند. پی‌بست مفعولی را می‌توان به عنوان پایانی‌ترین عنصری که به فعل می‌چسبید در نظر گرفت. افعال دو مفعولی همان‌طور که از اسمش پیداست دارای دو مفعول می‌باشند؛ یکی مفعول صریح که در گویش کلهری به همراه «æ» و «gæ» می‌آید و دیگری مفعول غیرصریح که متمم حرف اضافه می‌باشد. جایگاه مفعول غیر صریح می‌تواند هم با ضمیر آزاد و هم پی‌بست پر شود. حرف اضافه‌هایی که همراه مفعول غیرصریح می‌آیند سه حرف اضافه «ærra»، «æ» و «pæ» هستند. حرف اضافه «ærra» به معنی «برای» است و پس از آن، هم ضمیر پی‌بستی هم ضمیر آزاد می‌آید. پس از حرف اضافه «æ» به معنی «به»، ضمیر آزاد می‌آید، اما اگر به صورت پی‌بستی باشد به حرف اضافه «pæ» به معنی «به» می‌چسبند. به طور مثال،

۴۲) qæza          dam          æ          nojan

اسم          فعل          ح. اض          اسم

غذا          دادم          به          نویان

«غذا به نوپان دادم.»

۴۳) qæza da mæ wæpe = i

اسم فعل پ. ۱. فا م. پ. ح. اض. پ. مت. ش  
غذا داد م به

«غذا را بهش دادم.»

۴۴) nojan æra m gol hɛnɑrd = ø

اسم ح. اض. پ. مت. اسم پ. ۳. فا. = فعل  
نوپان برا م گل فرستاد

«نوپان برام گل فرستاد.»

۴۵) nojan æra dælɛg = i gol hɛnɑrd = ø

اسم ح. اض. = اسم پ. ۳. اض. م. اسم فعل =  
نوپان برای مادر ش گل فرستاد

«نوپان برای مادرش گل فرستاد.»

۴۶) da = m = æj pɛ = d

فعل پ. ۱. فا م. پ. ح. اض. پ. ۳. مت. م. ۳. ت  
داد م ش به

«دادمش بهت.»

پ. نقش بعدی پی بست مخصوصاً پی بست‌های ضمیری مضاف الیه می‌باشد و در واقع می‌توانند متمم اسم یا ضمیر گردند.

۴۷) Kɛtawæ = g = æm

اسم پ. مع. پ. ۱. اض. م. م  
کتاب م

«کتابم»

مضاف که میزبان پی بست مضاف الیه می‌باشد، می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله فاعلی و مفعولی در جمله داشته باشد. مثلاً در جمله زیر نقش فاعل جمله را دارد.

۴۸) guʃijæ = m gom bi

اسم ح. اض. پ. اسم فعل  
گوشی م گم شد

«گوشیم گم شد.»

در مثال فوق، پی بست مضاف الیه یک مضاف است و خود مضاف نقش فاعل را برعهده دارد، که هر دو با هم نقش نهاد جمله را ایفا می‌کنند.

۴۹) dærsæg = æm xwæn = im

اسم ح. اض. پ. ۱. م. فعل پ. ۱. فا. م.  
درس م خواند م

«درس را خواندم.»

همانطور که در مثال (۴۹) مشاهده می‌کنید، در اینجا پی‌بست به همراه میزبانانش نقش مفعول مستقیم را در جمله ایفا می‌کند.

#### ۶- وضعیت پی‌بست در بندهای موصولی

محمودی (۱۳۹۲) می‌نویسد که جمله‌واره موصولی به عنوان وابسته پسین اسم می‌آید. جمله‌واره موصولی اسمی را توصیف می‌کند که می‌تواند مفعول مستقیم، متمم حرف اضافه، نهاد و غیره باشد. یک نسخه از هسته‌ای که جمله‌واره موصولی آن را توصیف می‌کند، در داخل جمله‌واره موصولی حفظ می‌شود که برخی مواقع به علت بازیافتنی بودنش می‌توان آن را ذکر نکرد. نسخه موجود در جمله‌واره می‌تواند به صورت تهی، ضمیر آزاد یا واژه‌بست نمود پیدا کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که بین هسته و مقوله تهی، ضمیر یا واژه‌بست در جمله‌واره ارتباط وجود دارد و آن‌ها با یکدیگر هم‌نمایه می‌باشند. به بیان دیگر، مشخصه‌های  $\Phi$  هسته بر روی ضمیر یا تهی تراوش می‌کند. در واقع، نسخه موجود در بند موصولی می‌تواند ضمیر مستقل، خلاء یا واژه‌بست باشد که هدف ما در این جا بررسی واژه‌بست است و به آن دو صورت دیگر کاری نداریم. البته، میان ضمیر مستقل و ضمیر واژه‌بستی تفاوت مشهودی وجود ندارد و تقریباً هر دو یکسان عمل می‌کنند و تنها تفاوت آن‌ها این است که واژه‌بست نمی‌تواند هسته گروه قرار گیرد، در صورتیکه ضمیر مستقل این توانایی را دارد.

حضور واژه‌بست ضمیری در جایگاه نهاد، کاملاً اختیاری است زیرا کردی کله‌ری زبانی ضمیرانداز است و در صورت نبود فاعل آشکار مشخصه‌های شخص، شمار و جنس بر روی شناسه فعلی نمایان می‌شود، مگر اینکه بخواهیم نهاد را مورد تأکید قرار دهیم. در جایگاه مفعول نیز همین گونه است و حضور پی‌بست ضمیری اختیاری است. اما، حضور واژه‌بست ضمیری در جایگاه متمم حرف اضافه الزامی است.

در مثال (۵۰) وجود پی‌بست به عنوان متمم حرف اضافه الزامی است و نمی‌توان پی‌بست /d- را از میزبانانش، یعنی حرف اضافه / æra / حذف نمود زیرا سبب غیردستوری شدن جمله می‌گردد.

۵۰) to kæsɨg = id kɛ æra = d kar kerd = ɛm

پ.فا. فعل اسم پ.مت. ح.اض. ح.ر. پ.فا. ۳.م. اسم ض.ف.  
م. کرد کار ت برای که ید کسی تو

«تو کسی هستی که برای کار کردم.»

\*۵۱) to kɛsi = d kɛ æra kar kerd = ɛm

پ.فا. ۱.م. فعل اسم ح.اض. ح.ر. پ.فا. ۳.م. اسم ض.ف.  
م. کرد کار برای که ید کسی تو

«تو کسی هستی که برای کار کردم.»

دلیل بد ساخت بودن جمله فوق را می‌توان به این نسبت داد که حرف اضافه / æra / فاقد پی‌بست متممی می‌باشد. حضور این پی‌بست در جمله اجباری است و نبودش موجب غیردستوری گشتن ساخت جمله می‌شود.

## ۷- میزبان پی‌بست‌ها

همان طور که قبلاً ذکر آن رفت واژه‌بست‌ها درگزینش و انتخاب میزبان‌هایشان از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و معمولاً به هر مقوله‌ی دستوری توانایی اتصال دارند که این خود یکی از ویژگی‌های خاص واژه‌بست‌هاست که از آن به عنوان وجه‌افتراق واژه‌بست با دیگر وندها یاد می‌شود. البته، این گفته به این معنی نیست که لزوماً به تمامی مقوله‌های دستوری افزوده می‌شوند. در زیر، به میزبان‌های پی‌بست‌ها اشاره می‌شود.

## ۷-۱- پی‌بست‌های فاعلی و مفعولی

میزبان پی‌بست فاعلی همیشه فعل است. اما، پی‌بست‌های مفعولی علاوه بر فعل در جملاتی که فعل مرکب داشته باشد به هم‌کرد فعل مرکب یا همان عنصر غیرفعلی متصل می‌شوند، برای مثال:

۵۲) dæwæt = jan kæ = m

اسم                      پ. م. ۳ ج.                      فعل                      پ. فا. ۱ م.

دعوت                      شان                      می کن                      م

«دعوتشان می‌کنم.»

در مثال (۵۲)، پی‌بست مفعولی /-jan/ به هم‌کرد فعل مرکب /dæwæt/ افزوده شده‌است.

۵۳) xwæn = ja = dæj

فعل                      پ. ف. ۲ م.                      پ. م. ۳ م.

می خوان                      د                      ش

«می‌خوانیش.»

در مثال (۵۳) چون فعل جمله ساده است در نتیجه پی‌بست مفعولی /-æj/ به فعل ساده /xwæn/ اضافه شده‌است. نکته شایان توجه در اینجا این است، جمله‌ای که حاوی فعل ساده با دو پی‌بست فاعلی و مفعولی همزمان باشد، پی‌بست مفعولی پس از پی‌بست فاعلی می‌آید. اما، در افعال مرکب، پی‌بست مفعولی قبل از عنصر فعلی (چسبیده به عنصر غیرفعلی) و پی‌بست فاعلی پس از فعل می‌آید.

مانند:

۵۴) tæmiz= i kæ =m

اسم=                      پ. م.                      فعل                      پ. فا. ۱ م.

تمیز                      ش                      می کن                      م

«تمیزش می‌کنم.»

در نمونه (۵۴) همانطور که مشاهده می‌کنید، پی‌بست مفعولی /-i/ قبل از پی‌بست فاعلی /-m/ آمده‌است.



## ۲-۷ پی بست متممی

پی بست متممی پس از حرف اضافه می آید، و در واقع، متمم حرف اضافه<sup>۷</sup> خود است و با حرف اضافه تشکیل یک سازه را می دهد. بنابراین، میزبان پی بست متممی حرف اضافه است. در مثال (۵۵) میزبان پی بست متمم /-t/ حرف اضافه /-ærra/ است.

۵۵) æra	= d	wæt=	em
ح. اض	پ. مت ۲. م	فعل	پ. فا ۱. م

«برایت گفتم.»

مثالی دیگر:

۵۶) lælæ=	t	dælgir=	æ
ح. اض	پ. مت ۲. م	صفت	ف. پ. ۳. م
از	ت	دلگیر	ه

«ازت دلگیره.»

در مثال (۵۶) هم حرف اضافه /-læle/ میزبان پی بست متممی /-t/ شده است.

## ۳-۷ پی بست اضافی

پایانی ترین تکواژی که وابسته پسین گروه اسمی باشد، میزبان پی بست مضاف الیه می شود. بنابراین، می توان گفت که میزبان پی بست مضاف الیه می تواند در مکان های مختلف حضور داشته باشد.

۵۷) ketawe	bera	g	= æm
اسم	اسم	ن. مع	پ. اض
کتاب	برادر	گ	م

«کتاب برادرم»

در مثال (۵۷)، هم می بینید که پی بست مضاف الیه /-am/ به آخرین وابسته پسین گروه اسمی، یعنی نشانه معرفه /-g/ متصل شده است و آن را میزبان خود قرار داده است.

## ۴-۷ افعال پی بستی

میزبان افعال پی بستی (/ -en /، / -im /، / -æ /، / -i /، / -em /) همیشه گروه فعلی است، چرا که خود این پی بست ها به جای فعل در جمله قرار می گیرند. در حقیقت، افعال پی بستی صورت کوتاه شده افعال ربطی هستند. تمام سازه هایی که در گروه فعلی قرار دارند، میزبان افعال پی بستی هستند که به متمم های فعلی معروفند. البته، با توجه به لازم و متعدی بودن فعل، میزبان پی بست های فعلی متفاوتی هستند. مفعول مستقیم و غیرمستقیم، مسند یا همان متمم نهاد و متمم قیدی از جمله عناصری هستند که میزبان افعال پی بستی اند. به نمونه های زیر توجه کنید:

۵۸) arsam	kelas	ævæl	= æ.
اسم	اسم	مسند	پ. ف.

<sup>۷</sup>complement of preposition

ه اول کلاس آرسام  
«آرسام کلاس اوله.»

در مثال (۵۸) میزبان فعل پی‌بستی / æ - / مسند / ævæl / است.

arsam doctor = æ. (۵۹)

اسم صفت ف. پ.۳ م.

آرسام دکتر ه

«آرسام دکتره.»

در نمونه (۵۹) هم می‌بینید که پی‌بستی / æ - / قید / emfow / را به میزبانی خود انتخاب کرده‌است.

dæfn emfow = æ. (۶۰)

اسم قید ف. پ.۳ م.

جشن امشب ه

«جشن امشب.»

### ۵-۷ پی‌بستی تأکیدی / -a /

/ -a / به منظور بیان تأکید فقط به فعل یا گروه فعلی می‌چسبد. به مثال زیر توجه کنید که / -a / بیان تأکید پس

از یک فعل آمده‌است:

nae xwæj = d = a (۶۱)

ن. نفی فعل پ. ت.

ن خورد ی آ

«نخور یا!»

### ۶-۷ پی‌بستی ضمیری همراه ضمیر انعکاسی

همانطور که از عنوان فوق مشخص است، این پی‌بستی‌ها به ضمیر انعکاسی متصل می‌گردند.

( / xwæ=m /, - xwæ=t /, / xwæ=æj /, / xwæ=man /, / xwæ=dan /, / xwæ=jan / )

به عنوان مثال:

xwæ = dan bæ tf = in (۶۲)

پ. فا. ج. فعل پ. ض. ج. ض. ان.

ید برو تان خود

«خودتان بروید.»

در نمونه (۶۲)، پی‌بستی ضمیری / -dan / ضمیر انعکاسی / xwæ / را به عنوان میزبان خود انتخاب کرده‌است.

## ۸- ترتیب قرارگیری و توالی پی‌بست‌های ضمیری

با توجه به آزاد بودن آرایش جمله در کردی کله‌ری، می‌توان این آزادی و عدم ثبات جایگاه عناصر موجود در جمله را نیز به پی‌بست‌ها در کل، و به صورت ویژه به پی‌بست‌های ضمیری نسبت داد. البته، صورت بی‌نشان این گونه است که معمولاً در میان پی‌بست‌های ضمیری، پی‌بست مفعولی پس از پی‌بست فاعلی ظاهر می‌شود.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

۶۳) ketaw	æg	=	æm	daj	=	dæ	pi	=	∅
اسم	مع		پ.اض	فعل		پ.فا	ح.اض		پ.مت
کتاب	گ		م	داد		ی	به		ش

«کتابم را بهش دادی»

در مثال (۶۳)، پی‌بست مضاف‌الیه /æm-/ پس از آخرین وابسته گروه اسمی /æg-/, پی‌بست فاعلی /dæ-/ پس از فعل /daj/ و در نهایت پی‌بست متممی /∅-/ بعد از حرف اضافه /pi/ آمده‌است.

۶۴) æra	=	t	hænar	=	em	=	æj
ح.ا		پ.مت	فعل		پ.فا		پ.م
برای		ت	می‌فرست		م		ش

«برایت می‌فرستمش.»

در مثال (۶۴) پی‌بست فاعلی و مفعولی با هم در یک جمله ظاهر شده‌اند و ملاحظه می‌کنید که ابتدا پی‌بست فاعلی و سپس پی‌بست مفعولی آمده‌است.

## ۹- خوشه پی‌بستی

خوشه پی‌بستی زمانی رخ می‌دهد که چند واژه‌بست در کنار هم قرار گیرند. که معمولاً، این خوشه دارای یک پی‌بست فاعلی و یک پی‌بست غیرفاعلی می‌باشد. پی‌بست غیرفاعلی خود می‌تواند به انواعی تقسیم شود: پی‌بست مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح، مضاف‌الیه. به نمونه زیر توجه کنید:

۶۵) niise=	m=	æj
فعل	پ.فا	پ.م
می‌نویس	م	ش

«می‌نویسمش.»

در مثال (۶۵) مشاهده می‌کنید که در یک فعل همزمان پی‌بست فاعلی و مفعولی قرار دارد و تشکیل یک خوشه پی‌بستی می‌دهد.

## ۱۰- جایگاه پی‌بست در نمودار درختی

به طور کلی، می‌توان گفت که واژه‌بست‌ها در دو موقعیت ظاهر می‌گردند. اولین موقعیت، که به جایگاه دوم معروف است، پس از اولین کلمه در جمله ظاهر می‌شود. اولین بار یاکوب واکرناگل، زبانشناس سوئیسی، در سال ۱۸۹۲ با بررسی زبان یونانی و دیگر زبان‌های هند و اروپایی به این واقعیت دست یافت که پی‌بست‌ها به مثابه یک گروه نحوی، پس از اولین کلمه جمله می‌آیند. بنابراین، این عناصر واژه‌بست‌های جایگاه دوم یا واژه‌بست‌های قانون واکرناگل نام گرفتند.

هالپرن (۱۹۹۵) واژه‌بست‌های جایگاه دوم را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول را که پس از اولین واژه واجی می‌آید واژه دوم و دومین گروه را که پس از اولین سازه نحوی ظاهر می‌شود دختر دوم می‌نامد. دومین موقعیت، جایگاهی است که واژه‌بست قبل یا بعد یا به خود فعل متصل می‌شود که به نظام واژه‌بستی فعلی معروفند. اگر در نظام واژه‌بستی فعلی فاصله ایجاد گردد، جمله غیر دستوری می‌شود و این خود وجه ممیز دو نظام واژه‌بستی محسوب می‌گردد. علت دستوری بودن جمله زیر این است که پی‌بست در جایگاه فعلی قرار دارد و بین فعل و پی‌بستش فاصله وجود ندارد و سازه‌ای پیوسته را تشکیل داده‌اند.

۶۶) are = m hat

همکرد فعل      پ. فا      فعل

عار      م      آمد

«عارم آمد.»

۶۷) \*are hat = m

همکرد فعل      فعل      پ. فا

عار      آمد      م

«عار آمدم.»

علت غیردستوری بودن جمله بالا هم این است که پی‌بست باید قبل از فعل می‌آمد، چون یک پی‌بست پیشافعلی است؛ اما، بعد از فعل آمده‌است. در واقع، از جایگاه خود فاصله گرفته و جمله را بد ساخت کرده‌است. در اصل، در نظام واژه‌بستی جایگاه دوم، میان فعل و موضوع‌هایش و واژه‌بست فاصله وجود دارد، که به آن ناپیوستگی سازه‌ای می‌گویند. اما، در نظام واژه‌بستی فعلی هیچ فاصله‌ای وجود ندارد و بسته به نوع واژه‌بست بلافاصله قبل یا بعد یا به خود فعل افزوده می‌گردد. برخی واژه‌بست‌ها پسافعلی و برخی پیشافعلی می‌باشند. اگر فاعل را از برخی جملات حذف کنیم، واژه‌بست فعلی به واژه‌بست جایگاه دوم تبدیل می‌شود.

۶۸) nojan henard= æj

اسم      فعل      پ. م

نویان      فرستاد      ش

«نویان فرستادش.»

در جمله (۶۸) پی‌بست در جایگاه فعلی از نوع پسافعلی می‌باشد.

۶۹) henard= æj

فعل      پ. م

فرستاد      ش

«فرستادش»

در جمله (۶۹)، پی‌بست از جایگاه فعلی به جایگاه دوم، یعنی پس از سازه اول آمده‌است. یا به سخن دقیق‌تر، همانطور که هالپرن (۱۹۹۵) اشاره می‌کند، زبان‌هایی وجود دارند که همزمان پی‌بست در جایگاه فعلی و جایگاه دوم است. گویش کردی کلهری از جمله این زبان‌هاست و به همین دلیل، غالباً پی‌بست‌ها از جایگاه دوم به جایگاه فعلی می‌آیند. در حقیقت، حوزه عملکرد واژه‌بست در جایگاه دوم جمله است. اما در نظام فعلی، فعل است و دچار تقلیل حوزه عملکرد از CP به VP می‌شود.

واژه‌بست‌های جایگاه دوم، چون به محدودهٔ جمله تعلق دارند، واژه‌بست جمله<sup>۸</sup> نامیده می‌شوند. ریورو (۱۹۹۷) اعتقاد دارد که در چهارچوب دستور زایشی، فرافکنی نقشی گروه واکرناگل، در جایگاه متمم هستهٔ گروه متمم نما<sup>۹</sup> قرار دارند. واژه‌بست در هستهٔ آن و در برخی زبان‌ها در مشخصگر<sup>۱۰</sup>، تولید می‌گردد، یا طی فرایند حرکت فرود می‌آید. بنابراین، واژه‌بست‌های جایگاه دوم، متمم نما - محور<sup>۱۱</sup> هستند.

ریورو (۱۹۹۷) در مورد واژه‌بست‌های فعلی، قائل به وجود یک فرافکن نقشی جداگانه است؛ یعنی عناصر مورد بحث در آن فرافکن تولید می‌شوند که گروه تصریف (مجموعهٔ زمان - مطابقه) را به عنوان متمم خود پذیرفته‌باشند. به سخن دیگر، واژه‌بست‌های فعلی، که تصریف محور<sup>۱۲</sup> هستند، در مجاورت فعل تصریف<sup>۱۳</sup> شده ظاهر می‌شوند.

به طور کلی، می‌توان گفت که پی‌بست‌های کردی کلهری از جایگاه دوم به پی‌بست‌های فعلی تبدیل می‌شوند.

### ۱۱- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در مجال اندک این پژوهش، واژه‌بست‌های کردی کلهری مورد بررسی قرار گرفت و سعی شد پی‌بست‌های این گویش مورد توصیف قرار گیرند. با بررسی‌های انجام شده، به این نتیجه رسیدیم که تمامی واژه‌بست‌های کردی کلهری از نوع پی‌بستی می‌باشد. در واقع، در این گویش پیش‌بست وجود ندارد. انواع پی‌بست استخراج شد که از آن جمله می‌توان به افعال پی‌بستی، ضمائر پی‌بستی، پی‌بست فاعلی و مفعولی، پی‌بست ویژهٔ نکره و تخصیص نکره، پی‌بست کسره، پی‌بست معرفه، پی‌بست عطف و ربط، پی‌بست ساده / [j-] /، پی‌بست انعکاسی و پی‌بست تأکید اشاره کرد. همچنین، نقش‌هایی که این پی‌بست‌ها در جمله ایفا می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفت. این پی‌بست‌ها توانایی ایفای نقش‌هایی نظیر فاعل منطقی، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و اضافی را در جمله دارند. همچنین، با ذکر مثال نشان دادیم که خوشهٔ پی‌بستی در کردی کلهری وجود دارد. نظام جایگاه پی‌بست‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نیز متوجه شدیم که گویش کردی کلهری علی‌رغم وجود پی‌بست‌هایی در دو جایگاه فعلی و دوم، دچار تقلیل حوزهٔ عملکرد پی‌بست از جایگاه دوم، یعنی CP به جایگاه فعلی VP شده‌است.

میزبان پی‌بست‌ها هم ذکر شد و متوجه شدیم به دلیل آزادی عمل پی‌بست‌ها در گزینش میزبان‌ها آن‌ها می‌توانند به میزبان‌هایی که به مقولات دستوری گوناگونی تعلق دارند، بپیوندند، از جمله فعل، حرف اضافه، اسم و ضمیرانعکاسی.

ترتیب و توالی پی‌بست‌ها در جملاتی که بیش از یک پی‌بست دارند، بررسی شد، و نتیجه حاصل گشت که پی‌بست مفعولی پس از پی‌بست فاعلی در جمله ظاهر می‌شود، و عدم رعایت این توالی سبب غیردستوری گشتن جمله می‌شود. اما، در مقابل، سایر پی‌بست‌ها از آزادی بیشتری برای توالی حضور در ساخت برخوردار هستند.

<sup>۸</sup>sentence clitic

<sup>۹</sup>complementizer phrase

<sup>۱۰</sup>specifier

<sup>۱۱</sup>c-oriented

<sup>۱۲</sup>oriented

<sup>۱۳</sup>inflected verb

همانگونه که می‌دانید واژه‌بست حلقه ارتباطی بین ساخت‌واژه، نحو و آواشناسی و معناشناسی است. بنابراین، می‌توان واژه‌بست را در هر کدامیک از حوزه‌های ذکر شده به صورت جدا و تخصصی بر اساس نظریه‌های مختلف زبانشناسی مانند زایشی، کمینه‌گرایی و... در زبان یا گویش خاصی مورد بررسی قرارداد. همچنین می‌توان واژه‌بست‌ها را به صورت ترکیبی در سه حوزه آواشناسی، صرف و نحو و ارتباطی که حوزه‌های مختلفی دارند مدنظر قرارداد. می‌توان مطالعاتی هم در زمینه رده‌شناسی و تحقیقات در زمانی و همزمانی و مطالعات تطبیقی واژه‌بست‌های یک زبان و گویش و مقایسه‌اش را با دوره‌های پیشین داشت.

#### منابع:

- بامشادی، جواد (۱۳۹۲). «واژه‌بست‌های ضمیری در زبان گورانی»؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی به کوشش محمد راسخ مهند، ۱۳۹۲.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۶). «واژه‌بست‌ها به عنوان نشانه مطابقه فاعلی در فارسی»؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی به کوشش محمد راسخ مهند، ۱۳۹۲.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸). «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی»؛ پژوهش‌های زبانشناسی، ش ۱، ص ۱۰-۱.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). «واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»؛ پژوهش‌های زبانشناسی، ش ۳، ص ۷۵-۸۵.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۹). مبانی صرف؛ تهران: سمت.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۶). «واژه‌بست چیست؟»؛ مجموعه مقالات سومین همایش زبانشناسی، به کوشش محمد دبیر مقدم و یحیی مدرسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- محمودی، سولماز (۱۳۹۲). «ویژگی نحوی واژه‌بست ضمیری در بند موصولی»؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی به کوشش محمد راسخ مهند، ۱۳۹۲.
- میردهقان، مهین ناز و فرزانه حیدری و محمود مؤذن نواده (۱۳۹۲). «تحلیلی بر واژه‌بست‌های ضمیری در گویش لکی نورآبادی»؛ مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی به کوشش محمد راسخ مهند، ۱۳۹۲.
- همایون، همادخت (۱۳۹۴). واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته (ویراست دوم)، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.

Halpern, A. (۱۹۹۵). On the placement and morphology of clitics. Stanford: CSLI publications.

Rivero, M. L. (۱۹۹۷). "on two locations for complement clitic pronouns: serbo – Croatian, Bulgarian and old Spanish", in A. kemenade and N. Vincent (eds.), parameters of morphosyntactic change, Cambridge, Cambridge University;